

جمعی از زندانیان غیرعمد به همت قوه قضائیه، ستاد دیه و خیران، نوروز کنار خانواده‌شان خواهند بود

عیدی برای ۳۰۰ زندانی غیرعمد در مشهد

صبح شنبه ای، چه چشم‌روشنی ای بهتر از اینکه باز عده ای زندانی غیر عمد هم زمان با سالروز ولادت امام زمان(عج) به آغوش خانواده برگشتند ودم عیدی فرزندان چشم‌به‌راهشان راخوش حال کردند و خنده و مهربانی را به خانه آوردند؟! سعید سرباز جافدا، مدیرکل زندان های استان خراسان رضوی، در توضیح بیشتر این چشم‌روشنی گفته است: «در پویش عید تا عید، یعنی از ولادت حضرت علی(ع) تا میلاد امام زمان(عج) سیصد زندانی در مشهد حکم آزادی‌شان را دریافت کردند که از این تعداد صد نفرشان در جشن بزرگ نیمه شعبان که در زندان مرکزی مشهد برگزار شد، بابتد رقه

برای رنگ و نقشی تمام ایرانی

روایت کارآفرین مشهدی که با راه اندازی کارگاه تولید فرش دست باف ایرانی برای بانوان اشتغال ایجاد کرده است

گزارش روز



روزنامه‌نگار الهام مهریزاده

«من هیچ چیزی را تا خودم نبینم و تجربه نکنم، باور نمی‌کنم. مدام می‌گویند کار نیست و کسی خواهان فرش ایرانی نیست، اما من می‌گویم نه. یک «نه» محکم. من به دنبال صادرات فرش هستم. به عنوان یک بانوی ایرانی همه سعی و تلاشم این است که هنر اصیل فرش و گبه‌های دست باف ایرانی را به آن سوی مرزها صادر کنم. مهندسی شیمی دارم و اوایل کارم داروسازی بود، اما به دلیل علاقه‌ای که از کودکی به فرش داشتم، وارد این حرفه شدم. خانواده‌ام مخالف بودند و ترجیحشان این بود که همان مهندسی شیمی را ادامه دهم، اما من عاشق این بودم که خودم کاری ایجاد کنم، «این هاب بخشی از صحبت های نسرین رضاییگی، بانوی کارآفرین شهرمان، است. او به دلیل کارآفرینی و آموزش ها و راهنمایی های شغلی اش اکنون یکی از راهبران موفق شغلی کمیته امداد امام خمینی (ره) است. از تعداد مددجویانی که با حمایت ها و راهنمایی هایش وارد حرفه قالی بافی شده اند، آماری ندارد و فقط به این کلمه بسنده می‌کند: «خیلی». با همت بلند این بانوی کارآفرین، کارگاه‌هایی در شهرهای کلات، سرخس و مشهد برپا شده است و زنان بسیاری از کار در این کارگاه‌ها نانی سر سفره می‌برند.

نقش رنگین کمانی بر دیوارها

به یکی از فرش‌هایی که نقشه‌اش تمام شده است، اشاره می‌کند: «این فرش را نگاه کنید. نخ‌های این فرش از پشم‌هایی است که در کارگاه خودمان در کلات نخریسی و ورنگری شده است. رنگ‌های زرد این گبه را نگاه کنید. این نخ‌ها را با زرد چوبه رنگ کرده‌اند. طراحی رنگ و تولید رنگی با کیفیت یکی از ویژگی‌های قالی با کیفیت است. فرش‌هایی که نخ‌های آنان با گیاهان رنگ‌شده، جزو فرش‌های با کیفیت و گران قیمت محسوب می‌شود.»

● **فرش خواهان دارد، اگر بخواهیم** خانم رضاییگی چشم به توسعه کارش دارد و مرز توفقی برای خودش قائل نیست. او معتقد است که بازار فرش ایران و هنر قالی‌بافی میان جهانیان همچنان حرف اول را می‌زند، اگر همتی باشد: «خیلی از مسئولان به کارگاه ما آمدند و از اینجا دیدن کردند، اما فقط همان بازدید بود و بس. البته این را بگویم که استانداری تاکنون همراهی خوبی داشته است، اما دیگر مسئولان فقط دیدند و رفتند. به‌نظرم اگر مسئولان باور داشته باشند که این هنر

ارزاور است، حتما بیشتر

توجه می‌کنند. محال است شما برای جهانیان هنر فرش دست‌باف ایرانی را نشان دهید و آنان ابزار علاقه نکنند،

فرزندش بی‌تابی می‌کند و با خشونت و قوس‌داردن به خودش سعی دارند از کمند آغوش مادر رها شود: «آزاد از صبح همراه من بوده و خسته شده است. دلش می‌خواهد



روزی حلال،روزی ۱۰۰هزار تومان

عفت خانم باسرعتی عجیب گره‌های قالی را پشت سرهم می‌زند، سرعتی که چشم نمی‌تواند مسیر گره و چگونگی گره خوردن رنگ‌ها را دریابد. سرعت او برای گره‌زدن‌ها و انتخاب رنگ‌ها با سابقه قالی‌بافی اش گره خورده است. او شش ساله بوده که کنار مادر و خانواده اش پای گره‌ها و رنگ‌های درهم تنیده قالی نشسته است. او نیز حرف‌هایش را با بیمه قالی‌بافی شروع می‌کند: «واقعا چرا آن‌هایی که اصلا کار قالی‌بافی انجام نمی‌دهند، از این بیمه استفاده می‌کنند؟» خودش برای سؤالش جوابی دارد: «خب معلوم است. درآمد زیادی دارند و بی‌دردسر و سر موعود راحت می‌توانند پول پرداخت کنند، اما بچه‌های قالی‌باف مشکل درآمدی دارند. فکر می‌کنید یک قالی‌باف چقدر حقوق می‌گیرد؟» هنوز در پی گفتن رقمی برای حقوق و دستمزدی هستیم که پی حرفش را می‌گیرد: «روزی ۱۰۰ هزار تومان! به‌خدا این ۱۰۰ هزار تومان را وقتی در مسیر خانه هستم، سیب زمینی و پیاز می‌خرم و نرسیده به خانه تمام می‌شود، چند و چون گره‌هایی که باید بزند را این طور توضیح می‌دهد: «هرکدام از ما برای یک قالی دوازده متری باید روزی هفت رج کامل ببافیم، همان طور که گره پشت گره می‌زند، چند سؤال می‌پرسد: راستی، از کجا آمده‌اید؟ قرار است برای قالی‌باف‌ها کاری کنید؟ نگفتید تکلیف بیمه قالی‌بافی چی شد؟» از این گفتن «خبرنگاریم، نگاه سردش را به‌راه قالی می‌دوزد. انگار برای پاسخ سؤال‌های مانده در کنج ذهنش باید دوباره چشم انتظار اتفاقی باشد.



خدام حرم مطهر وزیر سایه پرچم بارگاه منور رضوی از زندان آزاد شدند. از سیزدهم رجب تا نیمه شعبان هفتاد نفر با رفاق قوه قضائیه، صد نفر با مشارکت ستاد دیه استان و ۱۲۰ نفر نیز با کمک خیران و گذشت شایگان از زندان مرکزی مشهد آزاد شدند. برای آزادی زندانیان جرایم مالی ۴۵ میلیارد ریال کمک بلاعوض به کوشش ستاد دیه و ۱۲ میلیارد ریال نیز به همت خیران پرداخت شده است.»

این مهربانی‌ها همیشه می‌ماند و ما فقط از بانیان این کارها در قالب چشم‌روشنی برایتان می‌نویسیم تا از این گره‌گشایی‌ها در شهرمان روز به روز بیشتر شود.



عکس سعید گل‌شیراز

مشهد شدند، اما حالا که هنر قالی‌بافی را یاد گرفته‌اند، تصمیم دارند به روستاهایشان برگردند. هرکدام از این خانم‌های قالی‌باف می‌خواهند به بانوان روستایشان آموزش دهند تا دارهای قالی را آنجا نیز ببریم و برای آنان شغلی ایجاد کنیم،» یکی از خانم‌های قالی‌باف انتهای کارگاه می‌خواهد صحبت کند. خانم رضاییگی در همان حال که ما را تا انتهای کارگاه همراهی می‌کند، از مشکلات خانم‌های کارگاه قالی‌بافی می‌گوید، مشکلاتی که گویا تکراری است و هنوز بیان نشده، می‌داند که قرار است از چه چیزهایی بگویند: «حرف‌های این هنرمندان را بشنوید، هرچند که بارها گفته‌اند. در مشهد فقط چند کارگاه قالی‌بافی فرش‌های بزرگ داریم. به همین دلیل مسئولان به کارگاه ما سر زدند. هر بار که آمدند، خانم‌های قالی‌باف از مشکلاتشان گفتند و آن‌ها نیز قول‌هایی دادند، قول‌هایی که فقط در همین جا مطرح شد و کاری برای حل آن نشد. کار خانم‌های اینجا بافت قالی است، اما از بیمه قالی‌بافی محروم‌اند. بارها پیگیری کردیم، اما هیچ کس جواب درستی نمی‌دهد.»

او به وضعیت روستاهای مرزی استان و دغدغه‌های آنان که با بیکاری و کم‌آبی گره خورده است، اشاره می‌کند و در این باره از تصمیم‌ش برای فرستادن دارهای قالی و ایجاد کارگاه‌های خانگی در این روستاها می‌گوید: «چند نفر از قالی‌بافان کارگاه از روستاهای سرخس هستند و برای کار رهای



رتبه نخست در المپیاد طراحی فرش

گوشه‌ای از کارگاه قالی‌بافی دختر جوانی با قلم‌هایی که در دست دارد، روی برگه‌های بزرگ، نقشه‌های گبه‌ها را طراحی می‌کند. همکارانش او را حدیث صدا می‌کنند. آن‌طور که خانم رضاییگی می‌گوید، حدیث هجده ساله کوچک‌ترین عضو فعال این کارگاه است. اما حضور حدیث در جمع قالی‌بافان کارگاه خانم رضاییگی به دوازده سال پیش بر می‌گردد، زمانی که او شش سال داشته است: «مادرم تا بلوغ‌فرش می‌بافت و من از همان زمانی که بچه بودم، به قالی‌بافی علاقه پیدا کردم. هنوز مدرسه نمی‌رفتم و فکر کنم شش ساله بودم که با دو چرخه کوچکی که داشتم تاجلو کارگاه قالی‌بافی می‌رفتم. با ورودم به مدرسه، تصمیم گرفتم که قالی‌بافی را به عنوان حرفه آینده ادامه بدهم. الان در رشته طراحی فرش درس می‌خوانم.»

تعدادی از نقشه‌هایی را که برای گبه‌های کارگاه خانم رضاییگی طراحی کرده است، روی میز پهن می‌کند. رنگ و روی گل‌های طرح‌ها نشان‌دهنده شور جوانی طراح است.

حدیث پارسال در المپیاد طراحی فرش استان شرکت کرد و توانست در این رقابت جایگاه نخست را از آن خود کند. او حالا چشم‌انتظار برگزاری مرحله کشوری المپیاد فرش است تا در این رقابت نیز بتواند به واسطه خلاقیت و انرژای جوانی‌اش گوی سبقت را از دیگر طراحان برباید.

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دل‌مان را خوب می‌کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی‌ها، آدمیزاد به امید زنده‌است. برای امیدواری بهانه‌که هیچ، دلیل‌ها هم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به «چشم‌تان روشن»، سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی ببندازید. کوچکیابزرگ، فرقی نمی‌کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، بامادر میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهمشهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ پیامک بدهید تا در کوتاه‌ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوش‌تان روشن کنیم.

یادداشت

آرام بودن را بیاموزیم



آرام بودن را بیاموزیم. هر خرداد، رفتار، پدیده یا هر چیزی به واکنش ما نیاز ندارد، امروز با گسترش شهرها، توسعه زندگی شهرنشینی و صنعتی ورود رسانه‌ها به همه عرصه‌های اجتماعی زندگی شهروندان روی دور تند قرار گرفته است.

همه چیز با سرعت انجام می‌شود و در کنار این سرعت، رفتار انسان‌ها نیز با عجله و شتاب همراه شده است. خیلی وقت‌ها گویی دیگر این عقل نیست که فرمان می‌راند، بلکه انسان درگیر هیجان، رقابت، حسادت و احساسات خود است و ناخودآگاه رفتاری از خود بروز می‌دهد که هم باعث آزار دیگران می‌شود و هم بعدش برای خودش پشیمانی به همراه می‌آورد. همه آنچه گفته شد، می‌تواند سبب بروز تعارضات فراوان بین گروه‌های انسانی شود. به مواردی که ذکر شد، مسائل و چالش‌هایی مانند مشکلات و دغدغه‌های شخصی افراد در زمینه‌های گوناگون معیشتی، اجتماعی و خانوادگی را اضافه کنید و اثر آن را بر روحیه پرخاشگری، تعارض منافع میان افراد و پایین آمدن آستانه صبر اجتماعی ملاحظه کنید. خودروبی که با سرعت از کنار ما می‌گذرد، فردی که ناخودآگاه در پیاده‌رو تنه‌اش به ما می‌خورد، فردی که بی‌اختیار صدایش بلند می‌شود، همکاری که پشت سرمان حرفی زده است و خلاصه هر اتفاق از این جنس، چه خودآگاه باشد و چه ناخودآگاه، چه عمدی باشد و چه سهوی، لزوما شایسته پاسخ‌گویی نیست و نیاز به واکنش فوری و با شدت چندبرابری ندارد.

- **مراقبت، آموزش و تمرین لازم رسیدن به آرامش**

باور داشته باشیم که لزوما «جواب کلخ انداز سنگ نیست»، خیلی وقت‌ها نادیده گرفتن، گذرکردن و به‌روی طرف نیازورن بهترین راه حل است. البته رسیدن به این نقطه درجه‌ای از رشد عقلی و رفتاری لازم دارد و نیازمند خودکنترلی و تمرین فراوان است که انسان بر خویشتن مسلط شود و افسار نفس سرکش و هیجان‌های کاذبش را در اختیار بگیرد تا در برابر هر اتفاقی بلافاصله وارد عمل نشود و از خود رفتار شدید و نامناسب بروز ندهد. به بیان دیگر، کنترل خویشتن، مراقبه، حفظ آرامش و تمدد اعصاب مهارتی است که بر همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی اثرگذار است و فلاح و صلاح انسان را به همراه دارد. این خصوصیت تا اندازه‌ای ژنتیکی است، ولی بنا بر نظر بسیاری از متخصصان با مراقبت، آموزش و تمرین نیز می‌توان در این زمینه به سطح بالایی از مهارت و توانایی کنترل رسید. این تمرین سرفصل‌هایی با عناوینی مانند تقوا، تمرکز، ذهن آگاهی، افزایش توجه، توجه آگاهی، هوشیاری دارد که رعایت آن می‌تواند انسان را خودآگاه و کنترل‌گر پرورش دهد. زندگی آرام، در زمان حال، بدون ترس از آینده و بدون چالش و تعارض جدی با افراد خانه و جامعه از دستاوردهای مهم این مهارت است.

- **مثبت بیندیشیم**

برای دست یافتن به این سطح از آمادگی کنترل رفتار ابتدا باید مدل ذهنی انسان اصلاح شود، به‌صورتی که به جای روحیه «تقابل»، با مردم، با آن‌ها تعامل، کنید. ذهن آدمی مانند اقیانوسی عمیق است که آب سطح آن اندکی متلاطم و مواج است، اما در عمق دنیایی آرام و بی‌صدا وجود دارد. ما بیشتر وقتمان را در سطح، در کف‌های روی آب و در جزر و مد و جریان‌های روزمره زندگی می‌گذرانیم، در صورتی که این آرامش درونی و عمیق اقیانوس است که ما را آرام می‌کند و به پندمان اجازه می‌دهد به حالت تعادل خویش بازگردد. سپس بر همین اساس سلسله رفتارهای ساده ولی اثرگذار در زندگی و واکنش‌هایتان انتخاب کنید تا آرام آرام این شیوه تفکر و رفتار در وجودتان نهادینه شود. به عنوان مثال، اگر نتوانستیم از چراغ عبور کنیم و پشت چراغ قرمز مجبور به توقف شدید، به‌خود بگویید بهتر، زمان بیشتری برای گوش دادن به آهنگ دل‌خواهم دارم. یا هنگام استراحت در محیط کار، به جای غیبت و صحبت با همکاران، کمی قدم بزنید و یک موسیقی آرام گوش کنید. اگر کار اداری دارید و زمان ناهار کارمندان سازمان است، به جای حرص خوردن، خود را به یک فنجان چای یا قهوه در کافه‌ای نزدیک دعوت کنید.

- **شیرینی گذشت را تجربه کنید**

شاید این کارهای کوچک به‌ظاهر ساده و کم‌اهمیت باشند، ولی مجموع آن حالات روحی شما را متحول می‌کند و سبب ایجاد آرامش و دستیابی به سطح جدیدی از مروادات اجتماعی می‌شود. شیرینی گذشت‌کردن و نادیده گرفتن را به جای تلخی انتقام‌جویی و کینه‌توزی تجربه کنید و انرژی‌تان را به جای آنکه صرف پاسخ‌گویی به دیگران کنید، برای رشد و پیشرفت خود ذخیره کنید. این روزها افراد بسیاری را می‌بینیم که فراموش کرده‌اند چگونه آرامش داشته باشند. آنان همواره عصبی‌اند و به‌نظر می‌رسد احساس می‌کنند همیشه چیزی وجود دارد که آن‌ها باید انجام دهند. همه ما در طول روز و در زندگی جاری مان چرخه‌ای از فعالیت – آرامش، را داریم، و اگر به‌صورت مستمر و دائمی قسمت آرامش را نادیده بگیریم، دیر یا زود بیمار، عصبی، پرخاشگر، بهانه‌جو و نامعتدل خواهیم شد که سبب می‌شود زندگی بسیار سخت یا با صرف انرژی فراوان داشته باشیم.